امام صادق علیه السلام

ازدیدگاه مذاهب اهل سنت

ذکرالله احمدی

بسم الله الرحمن الرحیم

امام صادق علیه السلام از دیدگاه مذاهب اهل سنت

نویسنده:

ذکرالله احمدی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امام صادق (ع) از دیدگاه مذاهب اهل سنت

مشخصات کتاب

مؤلف: ذکرالله احمدی

ناشر : ذکرالله احمدی

مقدمه

شخصیت امام صادق (علیه السلام) همچون اجداد بزرگوارش تنها متعلق به شیعه نیست، بلکه مربوط به کل جهان اسلام و بلکه بشریت است. هر چند خاورشناسان غیر مسلمان به مطالعه ابعاد مختلف زندگی و شخصیت این امام بزرگوار پرداخته اند، لیکن با کمال تأسف، امام را تنها از زاویه دید محدود مادی نگریسته اند، و کتاب «مغز متفکر جهان اسلام» ثمره همین شناخت های ناقص و بررسی های سطحی و مادی است که «مرکز مطالعات اسلامی استراسبورگ» نشر داده است و چون نتوانسته اند امام و شخصیت ملکوتی او را بشناسند، و از طرفی نتوانسته اند آن همه معارف و دانشهای امام را منکر شوند، دچار لغزش های غیر قابل گذشت شده اند و او را شاگرد مع الواسطه «بطلمیوس» معرفی کرده اند. اینک، نظراتی که از دانشمندان و پیشوایان مذاهب اسلامی درباره شخصیت بی مثال ششمین پیشوای معصوم شیعه، امام به حق ناطق حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) می آوریم، باید توجه داشت که این دیدگاه ها منهای اعتقاد به مقام امامت و عصمت آن حضرت ابراز شده است. و از همین رهگذر ناقص بوده و این تعبیرات نمی تواند آن طور که شایسته است سیمای بلند و ملکوتی این امام همام را ترسیم کند، و گویای ابعاد وجودی و شخصیت معنوی حضرت امام صادق (علیه السلام) باشند.

شاگردانی که خود پیشوا شدند

نویسنده ی توانا آقای عبدالحلیم جندی، مشاور رئیس جمهوری مصر، که از عالمان دیانت و سیاست است. تحت عنوان «شاگردانی که خود پیشوا شدند» آورده است که: ابو حنیفه و مالک، هر دو در خدمت امام صادق (علیه السلام) تلمذ کرده و چه در

فقه و چه در سیر و سلوک، آن دو تحت تأثیر آن حضرت بوده اند. مالك بن انس استاد شافعی بوده و احمد بن حنبل، مدت ده سال در محضر او کسب علم و دانش کرده است. اینان پیشوایان چهارگانه اهل سنت اند که مستقیم یا غیر مستقیم از شاگردان امام صادق (علیه السلام) بوده اند. جندی، در جای دیگر از کتابش می افزاید: «اگر برای مالك افتخار است که بزرگترین شافعی بوده و یا برای شافعی افتخار است که از بزرگترین اساتید حنبل بوده است، و یا اینکه برای هر دو استاد افتخار است که در نزد این دو استاد تلمذ نمایند، اما شاگردی نزد امام صادق (علیه السلام) افتخاری است که مذاهب چهار گانه اهل سنت، همه در آن شریکند. بزرگواری امام صادق (علیه السلام) فزونی و کاستی نداشت، امام (علیه السلام) علم و دانش جدش (صلی الله علیه وآله) را به همه مردم منتقل می ساخت، امامت مقام و مرتبه او بود و شاگردی پیشوایان اهل سنت در نزد او، آراستگی آنان به سبب نزدیکی با چنین شخصیتی والا بوده است. علاوه، محدثان بزرگ دیگری مانند سفیان ثوری که در ورع و سنن و فقه پیشوای زمان در همه عراق بود و در برخورد با خلیفه وقت موضعی استوار داشت، و همچنین بزرگانی مانند عمرو بن عبید که فرقه معتزله را به وجود آورد و محمد بن عبد الرحمان و ابن ابی لیلی همتای ابو حنیفه و سفیان بن عیینه و رجال بزرگ دیگر فقه و حدیث اهل سنت، نیز در محضر آن حضرت تلمذ کردند. چنانکه ابن ابی الحدید معتزلی می

نویسد: فقه مذاهب اربعه اهل سنت به فقه الصادق (علیه السلام) برمی گردد. مالک بن انس می گوید: «و لقد کنت آتی جعفر بن محمد (علیه السلام) و کان کثیر المزاح و التبسم، فاذا ذکر عنده النبی (صلی الله علیه وآله) اخضر و اصفر و لقد اختلفت الیه زماناً و ماکنت اراه الا علی ثلاث خصال: اما مصلیاً و اما صائماً و اما یقرء القرآن، و ما رأیته قط یحدث عن رسول الله (صلی الله علیه وآله) الا علی الطهاره و لایتکلم فی ما لا یعنیه و کان من العلما الزهاد الذین یخشون الله، و ما رأیت الا یخرج الوساده تحته و یجعلها تحتی» مدتی خدمت جعفر بن محمد (علیه السلام) مشرف می شدم او مزاح می کرد و لبخند بسیار بر لب داشت، هرگاه نام پیامبر (صلی الله علیه وآله) نزدش برده می شد چهره اش تغییر می کرد، ابتدا به سبزی و سپس به زردی می گرائید، در مدتی که به خانه آن حضرت رفت و آمد داشتم، او را دارای سه ویژگی یافتم، یا در حال نماز بود، و یا روزه دار بود و یا قرآن تلاوت می کرد، و هرگز بدون وضو از حضرت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نقل حدیث نمی فرمود، و سخنی به گزاف نمی گفت، وی از علما و پرستشگران زاهدی بود که از خدای خویش بیم داشت و هرگاه به دیدارش می رفتم زیرانداز (یا بالش) خود را اختصاص به من می داد. مالک در جای دیگر می افزاید: «یک سال با حضرت صادق (علیه السلام) حج به جای آوردم هنگامی که سوار بر

مرکب برای احرام مهیا شد هر چه خواست لبیک بگوید: صدا در گلویش قطع شد و نزدیک بود از مرکبش به زیر افتد، بدو گفتم: «ای پسر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) ناگزیر باید لبیک بگویی». فرمود: «چگونه جرأت می کنم لبیک بگویم می ترسم خدای عزوجل بفرماید: لا لبیک و لا سعدیک» و خود مالک نیز هرگاه نام پیامبر (صلی الله علیه وآله) را می برد رنگش به زردی می گرایید و آنگاه که حاضرین جلسه اش سبب آن را سؤال می کردند می گفت: اگر آن چه را که من دیده ام شما هم دیده بودید شما هم تصدیق می کردید و آنگاه، احوالات امام صادق (علیه السلام) را برایشان نقل می کرد. آری مالک در بیان دیگر چنین می گوید: «ما رأیت عین و لا سمعت اذن، و لا خطر علی قلب بشر افضل من جعفر بن محمد (علیه السلام) علماً و عباده و ورعاً.» هیچ چشمی ندیده و گوشی نشنیده و به دلی خطور نکرده که کسی با فضیلت تر از امام صادق (علیه السلام) از نظر علم و عبادت و ورع و تقوا باشد.

ابوحنیفه و عظمت علمی امام صادق (ع)

«ابوحنیفه» نعمان بن ثابت زوطی، پیشوای مشهور فرقه حنفی، آنگاه که سر تسلیم در پیشگاه عظمت علمی امام صادق (علیه السلام) فرود می آورد می گوید: «ما رأیت افقه من جعفر بن محمد (علیه السلام) و انه اعلم الامه» یعنی کسی را داناتر و فقیه تر از جعفر بن محمد (علیه السلام) ندیده ام، و او به طور مسلم اعلم امت اسلامی است. و این نیز گفته او است چنانکه آلوسی در «مختصر

تحفه اثنی عشریه» می نویسد: این ابوحنیفه که مایه فخر و مباهات است با صراحت تمام می گوید که اگر آن دو سالی که از محضر جعفر بن محمد (علیه السلام) استفاده ی علمی کردم نبود، هلاک شده بودم، «لولاالسنتان لهلک النعمان» وی در مدینه و کوفه با امام صادق (علیه السلام) دیدارهای پراکنده ای داشت. اما دو سال متوالی در مدینه بود و از دانش سرشار امام (علیه السلام) بهره مند شد، و همین دو سال است که وی را از هلاک رهایی بخشید. منصور، امام صادق (علیه السلام) را از مدینه به عراق آورد و کسی را نزد ابو حنیفه فرستاد و بدو گفت: مردم شیفته و فریفته فضایل امام صادق شده اند برای محکوم ساختن او یک سری مسایل دشوار علمی را تدارک ببین... ابوحنیفه پس از آن درباره ملاقات خود می گوید: ابوجعفر منصور دوانیقی در «حیره» بود که کسی را نزد من فرستاد و من نزد او رفتم، وقتی وارد شدم، دیدم جعفر بن محمد (علیه السلام) سمت راست او نشسته است. هنگامی که چشمم به او افتاد ابهت او بیش از منصور مرا گرفت، بر او سلام کردم، به من اشاره کرد نشستم، سپس منصور متوجه امام صادق (علیه السلام) شد و گفت: ای ابا عبدالله (کنیه امام صادق علیه السلام) این شخص ابوحنیفه است. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «او قبلا هم پیش ما آمده است» و او را می شناسم. آنگاه منصور متوجه من شد و گفت ای ابوحنیفه، مسائل خود را بر ابوعبدالله صادق (علیه السلام) عرضه بدار، و من مسائل خود را بر

او عرضه کردم، و آن حضـرت همه مسائل مرا پاسـخ داد، و فرمود: شـما چنین می گوییـد و مردم مـدینه چنین می گویند، و ما چنین می گوییم، گاهی گفته آنها را می پـذیرفت، و گاهی با همه مخالفت می کرد تا اینکه چهل مسأله را بر او عرضه داشـتم و همه را پاسخ گفت. پس از پایان مناظره، ابو حنیفه بی اختیار آخرین سخن خود را با اشاره به امام صادق (علیه السلام) چنین ادا کرد: «ان اعلم النـاس، اعلمهم باختلاف الناس» دانشـمند ترین مردم کسـی است که به آرا و نظرهای مختلف علما در مسائل احـاطه داشـته باشـد. مقصـود ابـوحنیفه از دانسـتن آرا و اقـوال مختلـف مردم، اجتهـاد فقهی برای مقـارنه و تطـبیق بین مـذاهب مجتهدین بوده است و ابوحنیفه پیشوای بزرگ اهل سنت اعتراف دارد که امام صادق (علیه السلام) آشنا ترین مردم به اختلاف نظر مردم در مـدینه است. چه اینکه آن حضـرت محدثان را در مدینه و مجتهدین را در کوفه تعلیم داده است، مدینه و کوفه به دست مالک و ابوحنیفه به عالیترین موقعیت خود رسیدند و آن دو و همچنین سفیان ثوری پیشوای دیگر عراق از شاگردان امام صادق هستند. ابوحنیفه از نظر سن از امام صادق (علیه السلام) بزرگتر بود، چند سال قبل از او متولد شد و پس از او هم از دنیا رفت. ابوحنیفه صـرف نظر از عمـل کردن او به رأی و قیـاس، در اسـتدلال فقهی قوی پنجه است که مالک به قـدرت اسـتدلال فقهی او اشاره کرده و می گوید: «ابوحنیفه اگر بگوید ستون مسجد از طلا است، بر آن دلیل

اقامه خواهد کرد». بعد از ابوحنیفه پس از یک صد سال «ابوبحر جاحظ» انتقادگر بزرگ و از دانشمندان قرن سوم می گوید: «جعفر بن محمد الذی ملأ الدنیا علمه و فقهه و یقال: ان ابا حنیفه من تلامذته و کذلک سفیان الثوری و حسبک بهما فی هذا الباب» جعفر بن محمد کسی است که دانش و فقه او دنیا را پر کرده و گفته می شود که ابوحنیفه و سفیان ثوری از شاگردان او هستند، و تلمذ این دو نزد آن حضرت در عظمت او کافی است. ابن حجر عسقلانی می گوید: «جعفرالصادق (علیه السلام) نقل الناس عنه ما سارت به الرکبان و انتشر صیته فی جمیع البلدان» یعنی مردم از آن حضرت علوم مختلفه ای نقل کرده اند که توسن فکر بشر به آن نرسد. و این علوم چنان زبان زد مردم گشته که آوازه ی آن همه جا پخش شده است. از «عمروبن ابی المقدام» روایت شده است که می گوید: «کنت اذا نظرت الی جعفر بن محمد (علیه السلام) علمت انه من سلاله النبیین قد رایته واقفاً عند الجمره یقول: سلونی، سلونی» یعنی هرگاه به جعفر بن محمد (علیه السلام) نگاه می کردم، در می یافتم که او از نسل پیامبران است، و او را دیدم که در «جمره» ایستاده بود و می گفت: از من بپرسید، از من بپرسید. و نیز از صالح بن ابی الاسود روایت شده است که آن حضرت همانند جدش علی (علیه السلام) می فرمود: «سلونی قبل أن تفقدونی، فانه لایحدثکم احد بعدی بمثل حدیثی» یعنی قبل از آنکه مرا از دست بدهید مسائل و

مشکلات علمی خود را بپرسید، و بعد از من کسی نیست که چون من برای شما حدیث بگوید.

دانشگاه بزرگ جعفری

امام صادق (علیه السلام) با توجه به فرصت مناسب سیاسی که به وجود آمده بود، و با ملاحظه نیازمندی های شدید جامعه و آمادگی زمینه اجتماعی، دنباله نهضت علمی و فرهنگی پدر بزرگوارش حضرت باقرالعلوم (علیه السلام) را گرفت و حوزه وسیع علمی و دانشگاه بزرگ اسلامی به وجود آورد، و مدینه که مهبط وحی بود مرکز دانشگاه خود قرار داد و مسجد پیامبر (صلی الله علیه وآله) را محل تدریس خویش کرد به طوری که همه فنون در آن تدریس می شد در رشته های مختلف علوم عقلی و نقلی آن روز شاگردان برجسته ای همچون، هشام بن حکم، محمد بن مسلم، ابان بن تغلب، هشام بن سالم، مؤمن طاق، زراره، مفضل بن عمر، جابر بن حیان و... تربیت کرد که از مورخین و علمای علم رجال و تراجم تعداد شاگردان و فارغ التحصیلان دانشگاه جعفری را بالغ بر چهار هزار نوشته اند. چنانکه شیخ مفید در «ارشاد» و فتال نیشابوری در «روضه الواعظین» و طبرسی در «اعلام الوری» و ابن شهر آشوب در «مناقب» و محقق در «معتبر» و شهید اول در «الذکری» و دیگران آورده اند دانش هایی که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده از هیچ کس دیگری نقل نشده و تعداد شاگردان آن حضرت را چهار هزار تن دانسته اند. دانشگاه بزرگ امام صادق خود شامل چندین دانشکده می باشد که رشته های گوناگون، در فقه، اصول، تاریخ، فلسفه، کلام و معارف مختلف اسلامی در آن تدریس می گردید،

تا آنجا که وقتی «عبدالله دیصانی» به مدینه وارد می شود به امام صادق (علیه السلام) چنین می گوید: آمده ام تا با تو مباحثه کنم. امام فرمود در چه موضوعی؟ گفت در فقه، امام (علیه السلام) او را به نزد محمد بن مسلم که از شاگردان فقیه او بود فرستاد، و هنگامی که با محمد بن مسلم مباحثه کرد و او توانست دیصانی را شکست دهد، سپس خواستار مباحثه در بخش کلام شد، امام صادق (علیه السلام) فرمود: با هشام بن حکم بحث کن، سپس تقاضای مباحثه در تاریخ را کرد که امام او را به یکی دیگر از شاگردانش هدایت کرد، و بدین ترتیب عبدالله دیصانی دریافت که هریک از شاگردان امام دریایی از علوم هستند. استاد اسد حیدر در این خصوص می گوید: اگر حوزه درس امام صادق (علیه السلام) را دانشگاه بنامیم گزاف و دور از واقع نگفته ایم. این دانشگاه میراث علمی عظیمی برجای نهاد و عالمان بسیاری تربیت کرد، و برجسته ترین متفکران و نخبه ترین فیلسوفان و زبده ترین عالمان را عرضه کرد. از این تعداد در حدود چهار هزار نفر شاگردان ورزیده بودند که معارف جعفری را در اطراف و اکناف جهان اسلام منتشر کرده و در گفتار خود همواره استناد به فرمایش امام و استاد خود می کردند و می گفتند «حدثنا جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام)». به عنوان نمونه یکی از شاگردان حضرت صادق (علیه السلام) «جابربن حیان» است که در تمام علوم و فنون مهارت داشته و بیش از دویست جلد کتاب در زمینه های علوم گوناگون به

خصوص در رشته های علوم عقلی و طبیعی و شیمی (که آن روز کیمیا نامیده می شد) تصنیف کرده که به همین خاطر او به عنوان پدر علم شیمی مشهور شده است و به اقرار خود همه را از حضرت صادق (علیه السلام) آموخته است زیرا در آثار و رسائل خود می نویسد: «قال لی جعفر (علیه السلام)- [أو] القی علی جعفر (علیه السلام)- حدثنی مولای جعفر- اخذت هذا العلم من جعفر بن محمد (علیه السلام) سید اهل زمانه.» جابربن حیان با سوگندی که به نام امام (علیه السلام) در مقدمه کتاب «الاحجار» یاد کرده است ثابت می کند که استاد و راهنمای او امام صادق (علیه السلام) بوده است و دانشی که از او آموخته است، سبب توفیق او گردیده است. در باب چهار هزار شاگرد امام صادق (علیه السلام) چند نکته قابل ذکر است. اول اینکه: مورخان و عالمان تراجم اتفاق دارند که شاگردان امام صادق (علیه السلام) همه اهل مدینه نبودند، بلکه از شهرها و بلاد مختلف از دور و نزدیک که اکثر آنان از عراق و مصر و خراسان، حمص و شام و حضرموت و غیر آن بودند که رو به سوی مدینه آورده و در دانشگاه جعفری مشغول فراگیری علم و دانش گردیدند. دوم اینکه: همه دانش پژوهان مکتب جعفری دارای یک عقیده و همه از شیعیان آن حضرت نبودند، بلکه دارای عقاید مختلف و مذاهب متفاوت بودند که از سرتاسر جهان اسلام آن روز گرد آمده بودند. سوم اینکه: مقصود این نیست که همه این چهار هزار نفر در یک زمان و همه روزه در کلاس

درس امام صادق شرکت داشته اند و حاضر بوده اند بلکه مقصود کسانی است که در مدت افاضه امام به تناوب و تفریق از آن حضرت علم فراگرفته اند، و حدیث نقل کرده اند. و در میان آنان بسیاری از شخصیت های مهم اهل سنت قرار دارند. چنانکه ذهبی در «سیر اعلام النبلاء» نام رواتی که از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده اند، آورده است. و این در حالی است که بسیاری از محدثان جرأت نقل حدیث از امام صادق (علیه السلام) را در عهد بنی امیه نداشتند، درباره مالک بن انس آمده است که: «لم یروعن جعفر بن محمد حتی ظهر امر بنی العباس» از امام صادق (علیه السلام) روایت نکرد تا آنکه بنی عباس به حکومت رسیدند. ولی ابوحنیفه از امام صادق (علیه السلام) حدیث نقل می کند، چنانکه روایات او از امام صادق (علیه السلام) در کتاب «الاثار» وی فراوان دیده می شود.

وسعت دانشگاه امام صادق (ع)

بالاخره در وسعت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) همین قدر بس که «حسن بن علی بن زیاد وشاء» که از شاگردان امام رضا (علیه السلام) و از محدثان بزرگ بوده و طبعاً سالها پس از امام صادق (علیه السلام) زندگی می کرده است می گوید: «ادرکت فی مسجد الکوفه تسع مئه شیخ، کل یقول: حدثنی جعفر بن محمد (علیه السلام)» یعنی در مسجد کوفه نهصد نفر استاد را مشاهده کردم که همگی از جعفر ابن محمد (علیه السلام) حدیث نقل می کردند. و به تعبیر علامه شهید مرتضی مطهری: جمله قال الصادق (علیه السلام) شعار علم حدیث گردیده است. این متفکر جهان اسلام

در جایی دیگر می گوید: «تحقیقاً می توان گفت حرکت های علمی دنیای اسلام اعم از شیعه و سنی مربوط به امام صادق (علیه السلام) است. حوزه های شیعه که خیلی واضح است. حوزه های سنی هم مولود امام صادق (علیه السلام) است. به جهت اینکه: رأس و رئیس حوزه های سنی «جامع ازهر» است که از هزار سال پیش تشکیل شده، و جامع ازهر را هم شیعیان فاطمی تشکیل داده اند، و تمام حوزه های دیگر اهل تسنن منشعب از جامع ازهر است و همه اینها مولود استفاده ای است که امام صادق (علیه السلام) از وضع زمان خویش کرده است.» و چه زیبا آورده است نویسنده منصف اهل سنت آقای عبدالحلیم جندی، آنجا که در چند جمله کوتاه موقعیت امام (علیه السلام) را نسبت به اسلام بیان کرده و می گوید: «امام جعفر صادق (علیه السلام)، به منزله قلب اسلام است. نسب او به رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) و ابوبکر و علی (علیه السلام) می رسد، او در دین پیشوا، و در علوم طبیعی دریایی بود.»

سخنی با امام بخاری

کتاب صحیح بخاری علی رغم اعتباری که نزد برادران اهل سنت دارد، احادیثی را از افراد ضعیف و غیرموثق و احیاناً فاسدالعقیده مانند عمران بن حطان سدوسی که یکی از سران خوارج است، و دیگر کسانی که از نواصب و خوارج بوده و عداوتشان نسبت به خاندان عصمت و طهارت مسلم است و نیز از کسانی که آشکارا به ساحت مقدس علی (علیه السلام) دشمنی داشته اند، و از مخالفان خاندان رسالت به شمار می روند مانند مروان بن حکم اموی و اکرمه

اباضـی و همچنین از افرادی حـدیث نقل و اسـتخراج نموده که حافظان حـدیث ماننـد یحیی بن معین آنان را ضـعیف و کذاب دانسـته اند. و این مطلب مورد اتفاق بسـیاری از فحول و بزرگان اهل سـنت است که در رجال صـحیح بخاری افراد غیر موثق و ضعیف زیـاد وجود دارد و بخـاری از آنهـا حـدیث نقل کرده است مثلاً از مجموع ۵۳۷۴ حـدیثی که از ابو هریره معروف نقل شـده، بخاری، در صـحیح خود ۴۴۶ حـدیث از وی نقـل کرده است. ولی در مقابـل می بینیم که بخـاری از امـام صـادق (علیه السلام) حتی یک حدیث هم نقل نکرده، و این در حالی است که بخاری از نظر زمان با امام صادق (علیه السلام) نزدیک بود، و تقریباً صـد سال پس از آن حضـرت فوت نموده است. بخاری ۶ سال در حجاز که مرکز نشـر علوم امام صادق (علیه السلام) بوده است برای اخذ حدیث اقامت نموده و به مرکز شـیعه در آن روز (بغداد و کوفه) رفت و آمد زیادی داشته است. ابن حجر از خود بخـاری نقـل می کنـد که وی می گفت: من برای اخـذ حـدیث دوبـار به شـام و مصـر و الجزایر و چهار مرتبه به بصـره مسافرت نمودم و ۶ سال در حجاز رحل اقامت افکنـدم، و به کوفه و بغـداد سـفرهای زیادی نمودم به طوری که تعداد آنها در نظرم نیست. البته عدم ذکر حدیث امام صادق (علیه السـلام) در صـحیح بخاری چیزی از شخصـیت و عظمت امام صادق (علیه السلام) نمی کاهد، و او کسی است که تمام امت به صداقتش گواهی داده و

به همین دلیل او را صادق لقب داده اند. شگفت است که بخاری احادیث شاگردان امام صادق (علیه السلام) را استخراج کرده ولی از آوردن روایات خود امام (علیه السلام) خودداری نموده است. عدم تخریج احادیث امام صادق (علیه السلام) در صحیح بخاری ربطی به امام صادق (علیه السلام) ندارد، این فقط مشکل بخاری است. چرا که نه بخاری و نه کس دیگر نمی تواند امام صادق (علیه السلام) را در حدیث ضعیف و مجروح بداند. امام شافعی که خود وضع کننده ی قواعد علمی برای قبول روایت است. استخراج و نقل حدیث از امام صادق (علیه السلام) را معتبر و مورد اعتبار قرار می دهد، همچنین دانشمندان جرح و تعدیل مانند: یحیی بن معین و ابی حاتم و ذهبی و ابن حنبل و دیگران، روایات آن حضرت را در کتاب های خود آورده اند.

شیعه و ارزش احادیث امام صادق (ع)

آنکه در اخبار فقه شیعه تتبع کند خواهد دید که روایت های رسیده از امام صادق (علیه السلام) در مسائل فقهی، کلامی و اخلاقی مجموعه ی گسترده و متنوعی است و علمای حدیث از هیچ یک از اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به مقدار آنچه که از ابوعبدالله (علیه السلام) روایت دارند نقل نکرده اند و روایات هیچ یک از ائمه (علیهم السلام) برابر با روایت های رسیده از امام صادق(علیه السلام) نیست. وقتی که شمار راویان از آن حضرت چهار هزار نفر باشند، پس رقم روایات مأثوره از آن امام چقدر خواهد شد؟ و آنگاه که یک راوی مانند ابان بن تغلب حافظ سی هزار حدیث، و محمد بن مسلم شانزده

هزار حدیث را حافظ باشد. مقدار و کمیت احادیث آن حضرت و علوم و معارف منسوب به او را می توان به دست آورد و به همین دلیل است که مذهب شیعه را «مذهب جعفری» گویند. در بین چهار هزار شاگرد امام صادق (علیه السلام) که از وی حدیث نقل کرده اند چهارصد نفر نویسنده، آنها را به رشته تحریر درآورده اند و اصول اربع مئه را نوشتند، بدین معنی که احادیث امام را (چه کتبی- چه شفاهی- چه به صورت استفتاء) جمع آوری کرده و به شکل کتاب درآورده اند و این تصنیفات را «اصل» گویند، و مراد از اصل، آن کتاب مورد وثوق و اعتمادی است که حدیث آن حجت بوده، و راوی آن هم موثق بوده است. و بعضی از آن اصول و تألیفات تا به امروز به همان وضع خود باقی مانده است. اما محتوای بسیاری از این مصنفات و تألیفات چهارصد گانه توسط علمای شیعه به صورت کتاب های عمده حدیثی تألیف و جمع آوری شده است و مجموعه های اولیه حدیثی چون محاسن برقی، نوادر الحکمه اشعری، و کتاب جامع بزنطی و کتاب ثلاثین اخوان اهوازی، و مجموعه های ثانوی چون کتب اربعه (کافی، تهذیب، استبصار و من لایحضره الفقیه) و مجموعه های متأخرین چون «الوافی» فیض کاشانی، «وسائل الشیعه» حر عاملی، و «بحار الانوار» علامه مجلسی و غیر آنها گرد آمده و این مجموعه ها علوم اهل بیت و امام صادق (علیه السلام) را در زمینه های مختلف در بر گرفته است.

امام مشایخ روایت ندارد

امام صادق (علیه السلام) روایات خویش را برای شاگردان خود نقل می کرد و

شاگردان او اعم از شیعه و سنی، روایات آن حضرت را می نوشتند با این تفاوت که اهل سنت حدیث را از امام صادق و از پدرش و او از پدرانش و آنها از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نقل می کردند، به عبارت دیگر با ذکر سند می آوردند. اما شاگردان شیعه آن حضرت با عنوان «عن ابی عبدالله» بدون ذکر سند نقل می کردند. زیرا، اعتقاد شیعه به عصمت ائمه و امامت آنها و حجیت قول ایشان، آنها را از ذکر سند بی نیاز می ساخت. با این حال امام تأکید داشت که احادیث او همان احادیث رسول خدا (صلی الله علیه وآله) است. «حدیثی، حدیث ابی، و حدیث ابی حدیث جدی، و حدیث جدی، حدیث علی بن ابیطالب و حدیث علی، حدیث رسول الله و حدیث رسول الله، قول الله» حدیث من حدیث پدرم، و حدیث پدرم حدیث جدم، و حدیث جدم حدیث علی بن ابی طالب و حدیث امیرمؤمنان حدیث رسول خدا و حدیث رسول خدا فرمایش خداوند است. منبع علم امام صادق (علیه السلام) نه «تابعان» و نه «محدثان» و نه «فقهای» آن عصر بودند، بلکه او تنها از یک طریق که اعلا و اوثق و اتقن طرق است نقل می کرد و آن همان از طریق پدرش امام محمد باقر (علیه السلام) و او از پدرش علی بن الحسین (علیه السلام) و او از پدرش حسین بن علی (علیه السلام) و او از پدرش علی بن ابیطالب (علیه السلام) و او هم از حضرت رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، که سلسله ای از ذهب است.

و از همین رهگـذر است که شـیعه اعتقاد دارد که قول و فعل و تقریر ائمه معصومین (علیهم السـلام) همانند قول و فعل و تقریر رسـول خـدا (صـلی الله علیه وآله) بوده و سـنت و حجت است. این طریق عـالی در صورتی است که مـا بـا برادران اهـل سـنت مماشات کنیم و به زبان و اصـطلاح ایشان سـخن بگوییم و گرنه بر طبق مبانی اعتقادی شـیعه امامیه علوم ائمه اثنی عشر (علیهم السـلام) علم لـدنی و از جـانب خـداست و این ائمه هـدی (علیهم السـلام) در مواردی که روایتی از آبـاء طاهرین خود نداشـته باشـند، خود منبع فیاض مسـتقیم احکام الهی هسـتند، و حاجتی به «حدثنا» و نظایر آن ندارند. همین نکته است که برادران اهل سنت مـا از آن غفلت دارنـد و چون می بیننـد بعضـی امامان شـیعه امامیه حـدیثی که از طریقی که معروف ایشان است، روایت نکرده اند او را در عداد «علما» قرار نداده اند. و حال آنکه برای به دست آوردن احادیثی که سلسـله روات آن همه ثقه و عادل و حافـظ باشـند، این حکم به تصـدیق همه بزرگـان اهـل سـنت، دربـاره ائمه شـیعه صـادق است. بنـابراین، روایتی که سـند آن منحصـراً امامـان شـیعه باشـند، اعلاـ و اوثق روایـات است تا چه رسـد به اینکه خود ایشان به جای «سـند» مسـتند واصل باشـند. بنابراین حـدیث امام صادق از طریقی بود که هیچ یک از محدثان دیگر آن طریق را نداشـتند چون «فقه جعفری» بر مبنای علم مستقیم و مستند به وحی است. زمانی که از احمد بن حنبل درباره این سند پرسیدند «حدثنی موسی بن جعفر عن جعفر بن

محمـد عن علی بن الحسـین و هکـذا الی النبی (صـلی الله علیه وآله)» گفت: «هذا اسـناد لوقری علی المجنون افاق.» این سـندی است که اگر بر دیوانه خوانده شود، عاقل گردد.

عذر غیر موجه

با این وصف می بینیم برخی از محدثین اهل سـنت مانند بخاری از امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت نکرده اند، زیرا آنان آنچه را در کتب خوانـده، نقل کرده انـد. از ابوبکر بن عیاش که از نخستین اساتیـد احمد بن حنبل بود سؤال شد «چرا از جعفر صادق (علیه السـلام) اسـتماع حـدیث نکرده ای؟ و حال آنکه آن حضـرت را درک کرده ای؟» گفت: درباره روایاتی که امام صادق (علیه السـلام) نقل می کردند، از او پرسیدم که آیا چیزی از آنها را شنیده است؟ (یعنی شیوخ حدیثی دارد؟) امام (علیه السلام) فرمود: خیر. (ولکنها روایه رویناها عن آبائنا) ولی اینها روایاتی است که ما از پدرانمان نقل می کنیم. برخی از بزرگان اهل سـنت، عذر امام بخاری را در عدم نقل احادیث امام صادق (علیه السلام) در صحیح خود، نداشتن شیخ روایت ذکر نموده انـد که حکایت از عـدم شـناخت واقعی این بزرگان از امام صادق (علیه السـلام) دارد که متمسک به اعذار غیر موجه گردیده اند. محمد ابوزهره، براساس همین تفکر تلاش می کند شـیوخ روایتی برای امام صادق (علیه السـلام) دست و پا کرده و اتصال آن حضـرت را از کانـال آنهـا غیر از اجـداد طاهرینش به رسول خـدا (صـلی الله علیه وآله) مطرح کنـد، و از این نمونه تنها نام قاسم بن محمد بن ابی بکر را ذکر نموده است. باید گفت که اگر

بنـا بود امـام صـادق (علیه السـلام) هماننـد محـدثان معروف آن زمان چنانکه در «تـذکره الحفاظ» می بینیم که هر یک از آنها دست کم ده نفر را به عنوان مشایخ روایت خود ذکر کرده انـد، از طریق مشایـخ روایتی غیر از اجداد طاهرینش از رسول خدا نقـل حـدیث نمایـد می بـایستی مشایـخ روایت خود را معرفی کنـد، در حالی که می بینیم او تنها از طریق اجـداد طاهرین خود حدیث نقل می کند که آنها را نیز نمی توان به عنوان شیخ روایت به حساب آورد.

ویژگیهای فقه جعفری

بـا توجه به اهمیت و ارزش احـادیث امام صادق (علیه السـلام) از حیث سـندیت و اعتبار است که ارزش تعلیمات و آموزه های فقهی آن حضرت که مشهور به فقه جعفری است روشن و ارزیابی می شود. همان فقه صحیح و اصیل اسلامی است که از مبدأ وحی به وسـیله پیامبر اکرم (صـلی الله علیه وآله) جهت هدایت بشـر نازل گردیده است. چون مکتب امام صادق (علیه السـلام) همـان مکتب پیـامبر است که دست به دست به وسـیله جانشـینان آن بزرگوار به دست او رسـیده است. بـا توجه به این حقیقت است که فقه جعفری در برابر فقه فقیهـان روزگار امام صادق (علیه السـلام) فقط یک اختلاف عقیـده دینی ساده نبود، بلکه در عین حال دو مضـمون متعرضانه را با خود حمل می کرد. نخست و مهم تر آنکه، اثبات بی نصـیبی دستگاه حکومت از آگاهی دینی و نـاتوانی آن از اداره امور فکری مردم، یعنی در واقع عـدم صـلاحیتش برای تصـدی مقـام «خلافت». و دیگر، مشـخص ساختن موارد تحریف در فقه رسمی که

ناشی از مصلحت اندیشی فقیهان در بیان احکام فقهی و ملاحظه کاری آنان در برابر تحکم و خواست قدرت های حاکم بود. امام صادق (علیه السلام) با گستردن بساط علمی و بیان فقه و معارف اسلامی و تفسیر قرآن به شیوه ای غیر از شیوه عالمان وابسته به حکومت ها عملاً به معارضه با آن دستگاه برخاسته بود و آن حضرت بدین وسیله تمام تشکیلات مذهبی و فقاهت رسمی را که یک ضلع حکومت خلفا به شمار می آمد تخطئه میکرد، و دستگاه حکومت را از بعد مذهبی اش تهی می ساخت، و در آموزه های امام صادق (علیه السلام) به یاران و نزدیکانش بهره گیری از عامل «بی نصیبی خلفا از دانش دین» به عنوان دلیلی بر اینکه از نظر اسلام آنان را حق حکومت کردن نیست، به وضوح مشاهده می شود، یعنی اینکه امام صادق (علیه السلام) در حقیقت آن مفهوم سیاسی و مضمون معترضانه ای را که در درس فقه و قرآن دارا بود صریحاً به شاگردان خود می آموخت. و در حدیثی از آن حضرت چنین آمده است: «نحن قوم فرض الله طاعتنا و انتم تأتمون بمن لا یعذر الناس بجهالته» (ما کسانی هستیم که خداوند فرمانبری از آنان را فرض و لازم شناخته است. در حالی که شما از کسی تبعیت می کنید که مردم به خاطر جهالت او در نزد خدا معذور نیستند) یعنی مردم که بر اثر جهالت رهبران و زمامداران نا اهل، دچار انحراف گشته، به راهی جز راه خدا، رفته اند: نمی توانند در پیشگاه خدا به این عذر متوسل شوند. که:

مـا به تشـخیص خود راه خطـا را نپیمودیم، این پیشوایان و رهبران ما بودنـد که از روی جهالت، ما را به این راه کشاندنـد. زیرا اطاعت از چنان رهبرانی، خود، کاری خلاف بوده است، پس نمی تواند کارهای خلاف بعدی را توجیه کند.

برتری فقه امام صادق (ع)

برتری فقه اهـل بیت (علیهم السـلام) مطلبی نیست که احتیاج به دلیل داشـته باشـد، چنانکه در کنگره های جهان اسـلام فقیهان بزرگ اعتراف دارنـد که فقه جعفری بر قوانین فقهی سایر مـذاهب برتری دارد. اعتراف فقیه و عالم جهان تسـنن، «اسـتاد شـیخ محمود شلتوت» رییس دانشگاه الازهر مصر با کمال صراحت فتوای جواز عمل به فقه جعفری را صادر و اعلام کرد که این فقه در بسیاری از موارد نسبت به فقه های دیگر برتری کامل دارد. در مجله رساله الاسلام شماره ۳ سال ۱۱، مقاله مفصلی راجع به فقه شـیعه دارد که ضـمن آن چنین می نویسـد: «ان المذهب الجعفری المعروف بمذهب الشـیعه الامامیه الاثنی عشـریه، مذهب یجوز التعبد به شـرعاً کسائر المذاهب اهل السنه». (یعنی مذهب جعفری که معروف به مذهب شیعه دوازده امامی است. مذهبی است که جـایز است شـرعاً مثـل سـایر مـذاهب اهـل سـنت از آن پیروی شود). این فتوای تاریخی به وسـیله ی چنین عالمی که دارای مقـام اسـتادی و ریـاست دانشـگاهی چون الاـزهر بود، انقلاـب عظیمی در جهـان تسـنن به پا نمود، و سـیل اعتراضات و انتقادات از هر طرف به سوی مصـر جاری گردیـد. اما اسـتاد شـلتوت نه تنها به همه اعتراضات پاسـخ قانع کننـده داد، بلکه طی مقالات دیگری اعلام داشت و چنین نظر داد: که

فقیه منصف موارد بسیاری را در فقه شیعه می تواند پیدا کند که از حیث دلیل نسبت به پاره ای از اقوال اهل سنت قوت بیشتری داشته باشد، و ما هدفی جز به دست آوردن حکم صحیح اسلامی از فقه هر یک از مذاهب اسلامی نداریم، و فقط فقه شیعه از این جهت در صف اول قرار گرفته است. پس از بیان این حقیقت توسط مفتی دیار مصر مقرر شد که کرسی فقه شیعه در دانشگاه الازهر تأسیس و تدریس شود و برای این منظور، تفسیر «مجمع البیان» شیخ طبرسی، و «مختصر النافع» علامه حلی که در فقه شیعه است، چاپ و منتشر شود و از آن پس، مذاهب، پنج مذهب شد که در مقام تدریس، ادله همه مذاهب ذکر می شود، و دانشجو مختار است که حجت هر مذهبی که قویتر است بپذیرد. در شماره ۳ و ۴ سال ۱۲ مجله «رساله الاسلام»، نقل می کند که «شیخ بزرگوار شلتوت» در پاسخ پرسش آقای «ابوالوفا معتمد کردستانی شافعی»، در رد آنهایی که گمان می کنند تقلید یکی از مذاهب اربعه واجب است، می گوید: که برای هر مسلمان این حق هست که ابتدا از هر یک از مذاهب اسلامی تقلید کند، و سپس حق دارد به هر مذهب دیگری از مذاهب اسلامی که بخواهد منتقل گردد، و معلوم است که اراده و نظر ما فقط منحصر به مذاهب اربعه اهل سنت نبوده است... و اما اینکه فتوا داده ایم که جایز است از مذهب شیعه جعفری پیروی شود این جایز بودن فقط مربوط به شیعه نیست، بلکه مسلمان سنی هم می

توانـد از مـذهب شـیعه جعفری پیروی کند و بالعکس. سـپس می افزاید: در خاتمه یادآوری می کنم که دین و شـریعت تابع و محـدود به یکی از مـذاهب اسـلامی نیست. پس همه ائمه مـذاهب مجتهـد هسـتند و نزد خدای تعالی مقبول و پذیرفته شده می باشند، و برای کسانی که اهل فتوی و نظر هستند جایز است که به مقررات فقهی آنها عمل نمایند. (برادر محمود شلتوت) آری به تعبیر غواص دریای بی کران فقه اهل بیت (علیهم السـلام) و جرعه نوش زلال چشمه سار فقه الصادق (علیه السلام) حضرت امـام خمینی (ره) آنجا که به عنوان عرض ارادت می فرمایـد: «و ما مفتخریم که مـذهب ما جعفری است و فقه ما که دریای بی پایان است یکی از آثار اوست. و ما مفتخریم به همه ائمه معصومین علیهم صلوات الله و متعهد به پیروی آنانیم.»

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹